معیارهای عدالت اقتصادی، استخراج و مصرف کارا و عادلانه منابع پایان پذیر

حامد صدری[۱]

چکیده:

منابع پایان پذیر مثل نفت و گاز در یک جامعه باید چه طور بین مردم نسل حاضر و آینده تخصیص داده شوند؟این سوال برای جوامعی مثل ایران بسیار مرتبط است و جواب آن قاعده کلیدی برای سیاست‌گذاری کلان مدیریت منابع طبیعی به شمار می‌آید. این مقاله سعی می‌کند به این سوال بپردازد که میزان بهینه استخراج و مصرف منابع پایان پذیر بر اساس معیارهای عدالت اقتصادی اسلام چه قدر است؟

در این مقاله، ابتدا تحلیلی مقایسه ای از معیارهای عدالت اقتصادی به منظور کشف یک اختلاف در سطح بینش های بنیادی میان برداشت های دینی از عدالت و نگرش های مدرن انجام شده است.سپس بر اساس معیارهای عدالت اقتصادی در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی مدلی برای میزان استخراج و مصرف بهینه منابع پایان پذیر دراقتصاد ایران ارائه شده است.

واژگان کلیدی

ایران،منابع پایان پذیر، معیارهای عدالت اقتصادی، عدالت اقتصادی در اسلام، عدالت بین نسلی

[۱]- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی از دانشگاه علامه طباطبایی h.sadri.eco@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

مقدمه

نفت در چگونگی برقراری ارتباط بین مردم و دولت طی یکصد سال اخیر در ایران موثر بوده و عامل بسیار مهمی در ایجاد رفاه اقتصادی – اجتماعی از یک سو و برقراری بی عدالتی ساختاری از سوی دیگر در جامعه ایران بوده است و بدون تردید نفت در آینده نیز قادر به ایجاد تحولات ساختاری در ابعاد مختلف اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران خواهد بود.

به طور کلی کشورهایی که از منابع طبیعی (تجدید پذیر و تجدید ناپذیر) بهره می برند همواره با دغدغه چگونگی تخصیص این منابع و تزریق درآمدهای حاصل از آن در اقتصاد ، به نحوی که هم با مشکلات ناشی از منابع طبیعی که درمباحث اقتصادی با نام بلای منابع طبیعی از آن یاد می شود دچار نشوند و هم اینکه با بهره برداری بیش از حد سبب تضییع حق نسل های آینده نشوند، مواجه هستند.به نحوی که امروزه در مباحث توسعه پایدار، بسیار به این امر پرداخته می شود.

از آنجا که یکی از وظایف دولتها کمک به توزیع عادلانه درآمدها می باشد، این وظیفه دولتها را در مورد درآمدهای ناشی از منابع خدادادی، می بایست هم برای نسل حاضر و هم برای نسل های آینده قائل شد.به نحوی که دولت ها با سیاست گذاریهای مناسب در جهت تخصیص بهینه این منابع برآمده و وظیفه خطیر خود مبنی بر حفظ توازن در میان اقشار مختلف جامعه و همچنین نسل های مختلف آن جامعه را به نحو احسن انجام دهند.

از طرفی با عنایت به آموخته های دین مبین اسلام و مباحثی که در نظام اقتصاد اسلام در زمینه عدالت اقتصادی مطرح است، بر آن شدیم تا در این مقاله با مقایسه معیارهای عدالت اقتصادی از منظر مکاتب اقتصادی با معیارهای عدالت اقتصادی مطرح در نظام اقتصادی اسلام، به تعریف مناسبی از عدالت در بحث توزیع درآمدهای حاصل از منابع خدادادی در میان نسل حاضر و نسل های آینده رسیده و بر اساس آن الگوی مناسبی را برای تخصیص بهینه و عادلانه ثروتهای خدادادی میان مردم ارائه دهیم.

اهداف عدالت اقتصادی و ضرورت تحلیل آن

به جز آثاری که برای عدالت، و از جمله عدالت اقتصادی، وجود دارد و می‌شود آنها را به عنوان اهدافی که مراعات عدالت اقتصادی به دنبال خواهد داشت، برشمرد، اهداف دیگری نیز برای عدالت اقتصادی وجود دارد. عدالت اقتصادی به منظور از بین بردن فقر مطلق و ایجاد توازن و تعادل نسبی بین اقشار اجتماعی برقرار می‌گردد.(خاندوزی،۱۳۸۴)

در جامعه‌ای که عدالت اقتصادی برقرار نباشد، رابطه محسوس میان تلاش افراد و میزان درآمد و رفاه وجود نخواهد داشت و گروهی با دسترسی به موقعیتهای مناسب و بهره‌مندی از امتیازات انحصاری، بخش قابل توجهی از منابع را به خود اختصاص خواهند داد و بدین طریق، فاصله بین اقشار اجتماعی با شتاب روزافزونی بیشتر خواهد شد، اما وقتی عدالت اقتصادی برقرار باشد، عامل عمده تعیین‌کننده درآمد و رفاه، تلاش صادقانه و مجدانه افراد خواهد بود و موقعیتها و فرصتهای یکسان در اختیار همه قرار خواهد گرفت تا افراد برحسب میزان تلاش و پشتکار خود، درآمد و رفاه داشته باشند؛ و تفاوت ناشی از این امر، مسئله نامقبولی نخواهد بود.

از طرف دیگر، مراعات عدالت و حقوق ضعفا و محرومان باعث خواهد شد فقر مطلق در جامعه از بین برود و کسی به خاطر عدم رفع نیازهای اساسی اقتصادی آسیب نبیند.

علاوه بر اهداف یادشده دو هدف دیگر نیز برای اجرای عدالت اقتصادی ذکر شده است: ۱- تزکیه باطنی افرادی که به دیگران کمک اقتصادی می‌کنند و تقرب الی اللّه و تکامل روحی آنان و تصفیه اموالشان. ۲- تقویت حس برادری میان مردم. (خاندوزی،۱۳۸۴)

این اهداف نیز امر مسلمی در تعالیم اسلامی است. مثلاً در پرداخت زکات و خمس که علاوه بر جنبه اقتصادی، بُعد عبادی نیز دارند و مصارف آنان در جهت تأمین عدالت اقتصادی است، خالصانه بودن عمل شرط شده است. نسبت به هدف دوم گفتنی است که دین اسلام به لحاظ آنکه دینی جامع و همه‌جانبه است، در احکام و تعالیم خود ایجاد وحدت در جامعه اسلامی و تقویت حس مسئولیت‌پذیری و برادری بین مردم را نیز مدنظر قرار داده است. اگر در جامعه‌ای، افراد بدون اقدام مناسب از کنار فقرا و محرومان عبور کنند پس از مدتی نسبت به آنان بی‌تفاوت می‌شوند و محرومیت ایشان برایشان امری عادی جلوه می‌کند، ولی اگر عدالت اقتصادی اجرا شود همه خود را ملزم خواهند دید به کمک دولت اسلامی بشتابند و نسبت به رفع محرومیت اقدام عاجل به عمل آورند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

معیارهای عدالت اقتصادی [۱]

۱- برابری و نیاز[۲]

اولین معیار مورد بحث در ادبیات عدالت اقتصادی معیار برابری است که در چارچوب نظریه های ابزار محور قابل طرح و بررسی است.در این زمینه می توان به مکاتب و دیدگاههای زیر اشاره نمود:

۱-۱.مکتب برابری گرایی[۳]

قدیمی ترین دیدگاه عدالت اقتصادی به مکتب برابری خواهی مرتبط است که بر اساس آن ، عدالت به معنای برابری موقعیت های اولیه،فرصتها و حق[۴] است. البته برخی دیگر از برابری خواهان به برابری نتایج توجه داشته اند که مکتب مارکسیسم ازمهمترین آنها است.

۱-۲. مکتب قراردادگرایی[۵]

طرفداران این مکتب بیش از همه به ساز و کار قرارداد اجتماعی به عنوان مبنایی برای شوون لازم الرعایه تأکید کرده اند که رالز[۶] بارزترین نظریه پرداز در این زمینه شناخته شده است. رالز بر اساس موقعیت اولیه انسانها در پس پرده حجاب جهل از شناخت موقعیت و وضع واقعی افراد جامعه به شناسایی اصول و قواعد عدالت اقتصادی به عنوان محتوای قرارداد اجتماعی در جامعه می پردازد.

طرح رالز برای کشف مبانی و اصول عدالت از سوی برخی دیگر از نظریه پردازان معروف عدالت از جمله بریان بری،کلم و رانسیمن[۷] مورد نقد و انتقاد قرار گرفته است. با این استدلال که تصمیم گیری در باره عدالت نه در دنیای خیالی بلکه در دنیای و اقعی و توسط کسانی صورت می گیرد که به وضعیت و جایگاه خود آگاهی دارند.(B. Barry , 1989)

رانسیمن سه معیار : نیاز، شایستگی و اشتراک در کالاهای مشترک را مبنای تصمیم گیری برای عدالت ذکر می کند.

کلم در نظریه قرارداد اجتماعی آزادانه[۸] خود از این دیدگاه فاصله گرفته است. قراردادی که کلم از آن سخن می گوید در میان افرادی که از وضعیت خود آگاهی دارند و خواسته ها و ادعاهای بیشتری نیز دارند مطرح می شود. البته این افراد لزوماً منفعت شخصی خود رادنبال نمی کنند بلکه به منافع اجتماعی نیز توجه دارند.

۱-۳.مکتب نیازهای اساسی[۹]

این دیدگاه عمدتاً از سوی اقتصاددانان سیاسی مطرح گردیده است، اقتصاددانانی که بر حسب ضرورت مراحل توسعه اقتصادی(در عصری که می زیسته اند) به این اصل توجه کرده اند. برای مثال می توان به مالتوس و هنری جورج[۱۰] اشاره نمود.

نیازهای اساسی را می توان در سطوح مختلفی مطرح ساخت:

الف -موارد و نیازهای اساسی برای حداقل معیشت، این حد از معاش حتی برای کسانی که تلاش لازم را انجام ندهند تأمین می شود(نظریه های قدیمی عمدتاًبر این جنبه تأکید کرده اند).

ب -در سطح دوم علاوه بر تأمین نیازهای اساسی تحصیل رضایتمندی و مطلوبیت نیز مورد توجه قرار می گیرد.فیلسوف معاصر رافائل بر این جنبه تأکید دارد.به نظر او در این سطح ملاحظات مربوط به کارایی وارد می شوند.از این منظر عدالت به معنی تأمین حداقل رضایتمندی برابر برای همگان است؛ به نظر او از این سطح به بالاتر زمینه لازم برای عملکرد آزاد افراد باید فراهم شود.(Raphael D.D,1980)

۱- کلیه مطالب این قسمت برگرفته از طرح" شاخصهای عدالت اقتصادی" که توسط دکتر حسین عیوضلو در تابستان ۱۳۸۶ برای مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام شده است، می باشد.

2- Equality & Need
3- Egalitarianism
4- Equalities of original positions opportunity & rights
5- Social contract theories
6- Rawls
7- Brian Barry, Kolm & Runciman
8- Libral contract theory
9- Basic Needs
10- Malthus and Henry George

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

۱-٤. مکتب مارکسیسم[1]

این مکتب به برابری نتایج فعالیت یعنی برابری درآمدها بعد از کسر مالیات تأکید می نماید. براساس این مکتب که حالت افراطی آن کمونیسم است: هر کس موظف است در حد توان در تولید کالاهای متعارف[2] مشارکت داشته باشد و در نهایت برابر با دیگران از درآمدهای حاصل سهم ببرد.

۲-سهم متناسب و شایستگی[3]

این دسته از نظریه ها بیش از همه به استحقاق افراد و توانایی آنان توجه کرده اند. نکته مهم و زیر بنایی در این نظریه ها اصالت دادن به انتخاب[4] افراد جامعه است.این مبنا در واقع مبنای مکتب لیبرالیسم را تشکیل می دهد.

از جمله مهمترین دیدگاهها در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱.نظریه" تعلق "نوزیک[5]

نوزیک در کتاب خود[6] مبنای عدالت را به حقوق افراد جامعه ارتباط می دهد. این حقوق بر اساس میزان فعالیت و اکتساب افراد در تملک اموال و انتقال آن تعیین می شود.در واقع با مبنای نوزیک تخصیص منصفانه تخصیصی است که به اعمال انفرادی افراد منتسب باشد.نکته عمده در نظریه نوزیک این است که هر گونه تخصیص و انتقال مالکیتی که از انتخابهای آزادانه افراد جامعه حاصل شده باشد منصفانه تلقی می گردد.(nozick,1974)

قاعده عدالت از منظر نوزیک این است که افراد در تحصیل درآمد و توزیع آن به اندازه انتخابهایی که کرده اند سهم ببرند.[7] البته پذیرش چنین نظریه ای به کارگیری سیاستهای توزیع مجدد درآمد را مورد تردید قرار می دهد. (nozick,1974)

۲-۲.نظریه های شایستگی[8]

مشهورترین نظریه پرداز" استحقاق "در دوران معاصر جیمز بوکانان[9] می باشد. بوکانان به لحاظ نظری از جهت اهمیت زیادی که به اعمال انفرادی و نقش محدود دخالت دولت قائل است به نوزیک نزدیک است. از جهت دیگر، از نظر توجه به قراردادگرایی به رالز نزدیک است و از نوزیک فاصله می گیرد. بوکانان ۴ متغیر عمده را به عنوان متغیرهای اصلی در تعیین درآمد و موقعیت اقتصادی مطرح می کند: شانس، انتخاب، تلاش و تولد[10]

وی معتقد است در خصوص متغیر" تلاش "کمترین اختلاف نظر وجود دارد، در عین حال وی عامل "تولد " را به عنوان تنها منبع نابرابری می شناسد، که با نظرات متعارف تفاوت فاحشی دارد.

نظریه های متعارف عمدتاً تفاوتهای ناشی از" تلاش " را منصفانه می شناسند، اما بقیه تفاوتها را ناعادلانه تلقی می کنند.

(James M. Buchanan, 1986)

۲-۳.نظریه انصاف و تناسب[11]

نظریه انصاف و تناسب مورد توجه جامعه شناسان و روانشناسان اجتماعی قرار گرفته که به نقش عدالت در روابط متقابل اجتماعی تأکید کرده اند که البته از بحث ما خارج است، امابرخی از اقتصاددانان[12] این نظریه را در حوزه مسائل اقتصادی گسترش داده اند. Werner Guth (& Reinhard selten,1994)

---

[1]- Marxism
[2]- Common Goods
[3]- Equity &Desert
[4]- choice
[5]- Nozick's Entitlement theory
[6]- Anarchy, State &Utopia
[7]- From each as they choose, to each as they are chosen
[8]- Desert
[9]- James M. Buchanan
[10]- Luck, Choice, Effort and Birth
[11]- Equity
[12]- Reinhard selten and Werner Guth

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

نظریه پردازان برابری گرائی بر اساس اخلاق نیکوماخوسی[۱] ارسطویی به تناسب و استحقاق در عدالت توزیعی توجه دارند و لذا از رابطه متناسب میان داده ها وستانده ها حمایت می کنند.به نظر این نظریه پردازان انگیزه غالب در روابط متقابل اجتماعی فقط انگیزه های خودخواهانه نیست، بلکه در عین حال، انگیزه های مربوط به منافع اجتماعی نیز وجود دارد؛ به این معنا که مردم در جامعه به دنبال تثبیت و استقرار انصاف و تناسب در پرداختها نیز هستند و لذا درک عمومی و رفتار گروهی بر اساس احساسی که این افراد از عادلانه بودن یا نبودن یک عمل دارند می تواند به نفع یا ضرر دیگران تمام شود.

لونثال و میکائیل[۲] شاید اولین نظریه پردازان برابری گرائی بودند که به لزوم متناسب ساختن داده ها با نتایج یا محصولات منصفانه تأکید نمودندو لذا مبنای توزیع را به میزان کنترل هر کارگزار اقتصادی از عوامل تحت کنترل خود مرتبط ساختند. بر این اساس سؤال اصلی از نظر آنها به این مبنا برمی گردد که هر کارگزار یا عامل اقتصادی تا چه حدی بر داده ها و منابع در دسترس خود کنترل و تسلط دارد و می تواند داشته باشد.(Leventhal and Michaels,1971)

بر این مبنا اصل مسئولیت پذیری[۳] را مطرح می کنند. اصل مسئولیت پذیری بر مبنای تفاوت قائل شدن میان متغیرهای اختیاری[۴] (متغیرهایی که در اختیار افراد است و می توانند در آنها تأثیر بگذارند) و متغیرهای برونزا[۵] (متغیرهایی که از دایره اختیار افراد خارج است و کنترلی بر آنها ندارند)، استوار است. براساس این تفکیک، اصل استحقاق و شایستگی و تخصیص منصفانه به این صورت باز تعریف می شود که سهم هر فرد از فعالیت اقتصادی می باید با متغیرهای تحت کنتزل او رابطه مستقیم داشته باشد، اما این سهم و پاداش لازم نیست هیچ ارتباط و تعلقی به متغیرهای برونزا داشته باشد.

گسترش بحث فوق به بازار و چانه زنی در آن به نظریه قیمت عادلانه[۶] انجامیده است. رابرت فرانک[۷] معتقد است که مبادله منصفانه مبادله ای است که باعث تقسیم توزیع برابر[۸] مازاد حاصل از مبادله میان طرفین شود.(Frank ,1988) اما کناو[۹] در نقد این دیدگاه توزیع منصفانه[۱۰] مازادها را جایگزین توزیع برابر می سازد.(Konow, 2003)

۳- نظریه مطلوبیت گرایی و اقتصاد رفاه

در این نظریه ها بیشتر به نتایج فعالیت اقتصادی توجه می شود و از این جهت این نظریه ها در چارچوب قواعد و معیارهای نتیجه محور طبقه بندی می شوند.

۳-۱.نظریه مطلوبیت گرایی[۱۱]

این دیدگاه که بر اساس نظرات فردگرایانهٔ بنتام[۱۲] و جان استوارت میل[۱۳] استوار است و مبنای اقتصاد رفاه پارتویی را تشکیل می دهد، قاعدهٔ زیر رابه عنوان قاعده عدالت اقتصادی توجیه می کند:" توزیع چیزها(اموال و دارایی ها)در میا ن مجموعهٔ مشخصی از افراد بایستی حداکثر کنندهٔ مطلوبیت یا رضایت اجتماعی باشد". بر اساس این قاعده با فرض قابل اندازه گیری بودن مطلوبیت افراد عدالت اقتصادی مستلزم آن است که مطلوبیت نهایی درآمد برای تمام افراد یکسان باشد. بنابراین چنانچه فرد i رضایت و خوشحالی بیشتری را نسبت به فرد j از درآمد مشخص M به دست آورد باید برای او درآمدی بیش از فرد j تعلق گیرد.

بر اساس این معیار، در نگاه اول این مسأله مطرح نیست که مجموعه مطلوبیت ها چگونه میان افراد توزیع گردیده است .مهم آن است که مطلوبیت کل چگونه تغییر می یابد .بر اساس این اصل چنانچه تغییری در سیاست باز توزیع، مطلوبیت فرد i را بیش از فرد j تغییر دهد و در

---

[1]- Nicomachean
[2]- Leventhal and Michaels
[3]- Accountability Principle
[4]- Discretionary Variables
[5]- Exogenous Variables)
[6]- Just Price
[7]- Robert Frank H
[8]- Equal distribution
[9]- James Konow
[10]- Fair distribution
[11]- Utilitarian Justice
[12]- Jermy Bentham
[13]- John Stuart Mill

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

اثر آن مطلوبیت کل جامعه را افزایش دهد سیاست مفید و عادلانه ای تلقی می گردد .اینگونه توزیع از آن جهت عادلانه تلقی می گردد که وزن یکسانی به مطلوبیت افراد می دهد .با این همه، اینگونه استدلال به جهت آن که مفهوم کاردینالی مطلوبیت مفهومی غیر واقعی است محل تردید است ونظریه های اخیر(از جمله نظریه انتخاب اجتماعی و نظریه های قرارداد اجتماعی[۱]) سعی بر آن دارند که معیارهای عینی تری همانند مفهوم درآمد و نظایر آن را که مورد توافق عمومی اجتماعی است جایگزین کنند.

۳-۲ .نظریه مطلوبیت گرایی تحت قاعده[۲]

در دهه های اخیر جان هارسانایی[۳] کوشیده است به اصالت فایده جنبه انسانی ببخشد.وی در نظریهٔ خود مسأله حداکثر سازی مجموع خوشحالی استاندارد را با جایگزینی توزیعها ی ویژه ای از اموال در چارچوب قواعد یا سیاستهای مشخص مطرح می سازد.

نظریه هارسانایی به نظریهٔ اصالت فایده تحت قاعده[۴] مشهور شده است. وی مطلوبیت اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهد که از هر گزینهٔ ممکن اخلاقی حاصل می شود: هم برحسب رفتار اجتماعی که به طور مستقیم توصیف می شود و هم بر حسب اثرات مستقیم بر انگیزه ها وانتظارات افراد. حسن نظریه هارسانایی آن است که بر خلاف نظریه معمول اصالت فایده که اشاره شد به حقوق مالکیت نیزتوجه ویژه دارد. (John , 1982)

۳-۳. نظریه عدالت به معنای حداکثر سازی ثروت[۵]

ریچارد پاسنر[۶] نیز این قاعده را مطرح ساخته است.

" توزیع اموال میان افراد جامعه چنانچه ثروت کل را افزایش دهد عادلانه است. " عدالت در نظر پاسنر مستلزم آن است که اموال و اشیاء به نحوی به افراد تخصیص داده شوند که بالاترین ارزش را بر حسب تقاضای مؤثر ایجاد کنند.

بر اساس نظریهٔ پاسنر مبادله کالا میان دو نفر زمانی روی می دهد که یکی ارزش بیشتری نسبت به دیگری به آن بدهد .با فرض صفر بودن هزینه های مبادلاتی و به حساب نیاوردن اثرات ثروت، چنانچه کالایی به فردی انتقال یابد صاحب طبیعی آن (کسی که آن را تولید کرده) آن رادوباره از او خواهد خرید. همینطور اگر آن فرد به آن ارزش بیشتری قائل شود آن را نزد خود نگه خواهد داشت و به مبادله راضی نخواهد شد .بنابراین، در حالت اول صاحب طبیعی کالا به جهت هزینه ای که بابت خرید آن می پردازد و در حالت دوم به علت از دست دادن آن ضررخواهد کرد .در حالی که هزینه های مبادلاتی وجود داشته باشد، حاکم همه چیزدان او[۷] می تواند اموال را به فردی که بالاترین ارزش را به آن بدهد تخصیص دهد .وی معتقد است در حال حاضر با توسعهٔ فناوری و با استفاده از هر رایانه نیازی به چنین حکمی نیست. *(A. Posner, 1981)*

مشکل اصلی این معیار آن است که ارزش هایی که افراد به اشیاء و اموال می دهند خود به تخصیص اولیه اشیاء و اموال یعنی به مقدار دارایی افراد از ثروت اولیه بستگی دارد.

در تئوری پاسنر بحث حقوق مالکیت و جبران مطرح نیست، بر این اساس چنانچه غصب و دزدی کارآ بوده و ثروت کل را افزایش دهند می توانند به عنوان عنصر ذاتی عدالت اقتصادی تلقی شوند. نکتهٔ دیگر این است که فرد بیگانه ای که اطلاع بیشتری از جوانب فنی و تجاری کالابدست آورد و یا ریسک گریزی کمتری نسبت به صاحب طبیعی کالا داشته باشد همواره ارزش بیشتری به کالا می دهد و بنابراین قادر خواهد بود که کالاهای بیشتری به چنگ آورد، کالاهایی که خود تولید نکرده است .بر اساس این نظریه برخلاف مورد حقوق مالکیت حتی هزینه های گزاف مانع انتقال اموال به افراد بیگانه (افرادی که صاحب طبیعی کالا نیستند) که ارزش بالاتری درمقایسه با صاحبان طبیعی کالا به کالاها می دهند نخواهد بود.

---

[۱]- نظریه پردازانی نظیر: هابز، روسو، هارسانایی، رالز، بوکانان و گوتیه را می توان در این راستا تعریف نمود.

[2]- Rule Utilitarian Justice
[3]- *John Harsanayi*
[4]- Rule Utilitarianism
[5]- Wealth Maximization
[6]- *Cf.Richard A. Posner*
[7]- Posner's omniscient tyrant

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

چنین نظریه ای که بر اساس آن اموال بایستی به اجبار از کسانی که آنها را تولید کرده اند گرفته شده و به کسانی تخصیص داده شوند که بالاترین ارزش را بر حسب تقاضای مؤثر به آنها می دهند بیش از همه مروج ناعدالتی است تا عدالت.

۳-٤ .نظریه عدالت به معنای انصاف یا عدالت خالی از حسادت[1]

به نظر برخی از اقتصاددانان نظیر بامول[2] و واریان[3] :" توزیع اموال میان اعضای جامعه چنانچه خالی از حسادت و رشک باشد منصفانه یا عادلانه است" به این معنا که هیچ فردی ترجیح ندهد که سبد اشیای افراد دیگر مال خودش باشد.

واریان چنین توضیح می دهد:

" مقایسه برابری به هر عامل اقتصادی این امکان را می دهد که خود را به جای عامل دیگربگذارد و موقعیت آن را به همان نحو که در مورد خودش قضاوت می کند ارزیابی کند. "(Varian , 1974)

بامول اضافه می کند:

" در نظریهٔ انصاف اساسی ترین قضاوت ارزشی، آن است که به وسیله افراد متأثر شده[4] انجام شود و نه از طریق قضاوت برخی افراد برتر(داوران عالی رتبه)."(J.Baumol , 1982)

وی در جای دیگر می نویسد:

"چنانچه هیچکس نسبت به دیگری حسادت نشان ندهد آن توزیع منصفانه است." به بیان او، یک توزیع از n کالا نشانگر حسادت فرد ۲ در مورد سهم فرد ۱ است، چنانچه اگر بستهٔ کالایی فرد ۱ را به فرد ۲ بدهیم وضعش بهتر شود. (J.Baumol, 1986)

اما سؤال اصلی دربارهٔ این نظریه آن است که ایا در عمل قضاوت و داوری افراد متأثر شده مورد سنجش قرار می گیرد یا اینکه واقعاً قضاوت بر عهده برخی داوران برجسته و غیر متأثر گذاشته می شود؟ آیا فرد سخی (واهب) این اعتقاد را دارد که انتقال اموالش به افراد حسود عادلانه و منصفانه است ؟ آیا دریافت کنندگان حسود می پندارند که این کار عادلانه و منصفانه است ؟

۳-۵. نظریه عدالت به معنای تخصیص خالی از سرزنش[5]

اسکاتلر[6] در تبیین قاعدهٔ عدالت بیش از همه به احساسات مردم اهمیت می دهد. به نظر او " توزیع چیزی میان افراد جامعه عادلانه است چنانچه هیچکس نتواند دیگری را به خاطر اعمالی که او در توزیع انجام می دهد سرزنش کند." وی توضیح می دهد: راه مستقیم برای ارزیابی رفتار یک شخص این است که خودت را به جای او بگذاری و سؤال کنی:" آیا تو می توانی تحت این شرایط مثل او عمل کنی؟" اگرهمه افراد جوابشان مثبت بود که می توانند مثل او عمل کنند در این صورت آن توزیع از لحاظ اقتصادی عادلانه است.

به نظر او یک نظریهٔ عدالت مبتنی بر عقلانیت این گونه نیست که حقوق مردم رادر نظر بگیرد و بخواهد این مبنا را بپذیرد که" هر آنچه بازار به آنها می دهد، عادلانه است"، بلکه وی از نظریهٔ جایگزین یعنی " آنچه که تلاشهایشان برای آنان به ارمغان می آورد"حمایت می کند.(Schotler, 1985)

حسن این نظر آن است که شرکت کنندگان در فعالیتهای بازار احساسشان این است که هرآنچه را که بدست می آورند اکتسابی است، نه آنکه موهبتی از طرف بازار باشد.

۳-٦. نظریه قیمت عادلانه[7]

گسترش نظریه انصاف و تناسب به الگوی بازار در نظریه های جدید به نظریه قیمت عادلانه انجامیده است. رابرت فرانک معتقد است که مبادله منصفانه مبادله ای است که باعث تقسیم توزیع برابر مازاد حاصل از مبادله میان طرفین شود.(Frank 1988) اما کناو در نقد این دیدگاه توزیع منصفانه مازادها را جایگزین توزیع برابر می سازد.(Konow, 2003)

---

[1]- Fairness or Envy Free Justice
[2]- *William, J.Baumol*
[3]- *Hal R. Varian*
[4]- Effected Individuals
[5]- Blame - Free Allocation
[6]- Schoteler
[7]- . Just Price

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

قواعد و معیارهای عدالت اقتصادی در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی[۱]:

از آنجا که متن و محتوای اصلی چارچوب قرارداد اجتماعی در جامعه اسلامی را شریعت اسلام[۲] تشکیل می دهد، در شرایط جهل از وضع واقعی و موقعیت اولیه (به عبارت رالز) که مصالح و منافع فردی جهت تصمیم گیری عمومی را تعیین نمی کند، چنانچه اصول کلی و عمده شریعت اسلامی در حوزه عدالت اقتصادی به مردم توضیح داده شود- به طور طبیعی- می تواند مبنای وفاق عمومی اغلب افراد جامعه قرار گیرد. به همین جهت به نظرمی رسد، درشرایط فعلی بازگشت به قرارداد اجتماعی مورد وفاق با لحاظ کردن ویژگیهای عمومی عدالت در چارچوب قواعد عدالت اقتصادی که به شرح زیر تبیین می گردد، می تواند نجات دهنده وضعیت فعلی اقتصاد ایران باشد و راه را برای اصلاح اقتصادی در ایران هموار سازد.

بر اساس نگرش اسلامی مسأله عدالت اقتصادی در چارچوب حقوق بایسته مربوط به افراد و اموال مطرح می شود و تعیین حق مردم در اموال مشترک، اموال خصوصی و در مبادلات - انتقال اموال - و همچنین تعیین حق خود" مال" در چارچوب موازین اسلامی موضوع بحث "عدالت اقتصادی" در جامعه اسلامی است.

برای تبیین قواعد و معیارهای اصلی شریعت در زمینه عدالت اقتصادی، راه مستقیم، مراجعه به آیات و روایات و راه غیرمستقیم استفاده از نظرات متفکران اسلامی است که به طور عام مقید به اصول و مبانی شریعت اسلام هستند. بر این مبنا و با استفاده از هر دو طریق که اشاره شد، معیارهای زیر به عنوان معیارهای عدالت اقتصادی قابل تطبیق با چارچوب شریعت اسلام معرفی می شود:

معیار اول :حق برخورداری برابر از منابع و ثروتهای عمومی

به تفسیر مرحوم علامه طباطبایی اصل محوری در بهره برداری از ثروتها آن است که" همه ثروت ها برای همه مردم است."(تفسیرالمیزان) مرحوم شهید مطهری، عدالت را به معنی ایجاد امکانات مساوی قانونی و اجرای قانون به طور مساوی معرفی کرده است .وی اضافه می کند:" اقدامات اسلامی دراین زمینه در دو قسمت است، یکی درقسمت قانون و ایجاد امکانات مساوی قانونی برای همه و دوم، در زمینه ایجاد امکانات مساوی برای همه. یکی از مسائل اساسی در این مورد تقسیم عادلانه امکانات و مواد اولیه طبیعی نسبت به افراد اجتماع است، چه در واقع اختلاف در تصاحب این سرمایه اولیه موجب اختلافات بعدی اجتماعی می شود و تبعیض در این مورد ریشه بسیاری از تبعیض ها خواهد بود .در این مورد، عدالت یعنی اینکه همه مردم بهره و سهمی را که بالقوه در زمین یا اجتماع دارند به آنها برسد تا آن را به فعلیت برسانند."(تفسیرالمیزان)

فارابی نیز یکی از اقسام عدالت را تقسیم عادلانه اموال و منافع عمومی در میان افراد جامعه دانسته است" قسمة الخیرات المشترکه التی لاهل المدینه علی جمیعهم[۳]" (تقسیم خوبیها و خیراتی که میان اهل جامعه مشترک است و متعلق به همه آنها می باشد میان آنها)

در این زمینه روایات زیادی وجود دارند که از آن جمله می توان به این روایت معروف از امام علی (ع) اشاره فرمود:" لو کان المال لی لسوئیت بینهم فکیف وان المال مال الله[۴] "

(اگر این اموال از ملک شخصی خودم بود به طور یکسان تقسیم می کردم، تا چه رسد به اینکه اینها، مال خداو مربوط به همه مردم است.)

معیار دوم :سهم بری براساس میزان مشارکت در تولید(عدل طبیعی)

از دیدگاه اسلامی از این اصل حمایت شده است که:

"محصول تلاش هر کس بایستی به خودش برگردد[۱] "

---

[۱]- کلیه مطالب این قسمت برگرفته از طرح" شاخصهای عدالت اقتصادی" که توسط دکتر حسین عیوضلو در تابستان ۱۳۸۶ برای مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام شده است، می باشد..

[۲]- بدیهی است منظور از شریعت اسلام در اینجا اصول کلی شریعت اسلام است که مورد قبول مسلمانان جامعه است و آنان در رفتار و روابط اجتماعی خود به آنها توجه دارند .البته واضح است که تفسیرهای تنگ نظرانه از اسلام لزوماً نمی تواند به عنوان چارچوب شریعت مبنای وفاق و قرارداد اجتماعی قرار گیرد.

[۳]- فارابی فصول المدنی، فصل ۵۸ ، صص ۱۴۲

[۴]- خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه، به نقل از نهج البلاغه صبحی صالح، ص۱۰۲

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

به عبارت دیگر در اسلام هر کس کار نیکو انجام دهد پاداش او ضایع نمی شود(انا لا نضیع اجر من احسن عملاً (کهف ۳۰))

مرحوم علامه محمدتقی جعفری با استناد به آیه" و لا تبخسوا الناس اشیائهم و لاتعثو ا فی الارض مفسدین[۲] " (و اشیای مردم را بی ارزش نکنید و در روی زمین فساد نکنید) می فرماید :"کار و تلاش مفید وارزشهایی را که به وسیله یک فرد یا گروه به وجود آمده فقط و فقط باید به حساب خود به وجود آورنده یا به وجودآورندگان آنها منظور شود و هرگز به حساب دیگران گذاشته نشود."(محمدتقی جعفری ، ۱۳۷۸)

فارابی از این اصل به عنوان "عدل طبیعی" در برابر "عدل قراردادی" یاد کرده و گفته است:"عدل طبیعی آن است که هر کس به اندازه مقدار کاری که انجام داده است مزد بگیرد." وی نه تنها عدل طبیعی را در مورد کالا صادق دانسته بلکه در مورد خدمت نیز آن را مطرح ساخته است .به همین جهت اگر کسی برای کسب دانش کار و تلاش بیشتری انجام دهد عدل طبیعی اقتضا می کند که درآمد بیشتری نسبت به کسی که دانش کمتری دارد دریافت کند. (فارابی، ترجمه سید جعفر سجادی، ۱۳۶۱)

مرحوم شهید مطهری در این زمینه می نویسد:

تکالیف و رنج و زحمتی که به مردم تحمیل می شود باید متناسب با حق و بهره آنها باشد نه این که یکی مکلف باشد و یکی حق و بهره را ببرد.(یعنی هر کسی که بهره و استفاده چیزی متعلق به اوست خسارت و مخارج آن چیز هم با اوست.[۳])

و در جای دیگر فرموده است:" انسان به مقدار کاری که روی شیء صورت داده مالک آن است[۴] ."

تذکر این مطلب ضروری به نظر می رسد که اگر چه مشابهت ظاهری بین دیدگاههای اقتصاد اسلامی و اقتصاد آزاد مشاهده می گردد اما نگرش اقتصاد اسلامی به ابعاد دیگر عدالت اقتصادی به طور همزمان توجه دارد که در قسمت های بعدی روشن می گردد .با این همه تأکید مجدد به این نکته لازم به نظر می رسد که هرگونه عایدی حاصل از عملکرد بازار آزاد مورد تأیید دیدگاه اسلامی نیست، بلکه عملکرد بازاری که شرایط و موازین اسلامی در آن حاکم است عادلانه تلقی می گردد.

براساس شریعت اسلام تفاوت استعدادها و ذوق و سلیقه بین مردم از نوامیس آفرینش است و موجب جریان بهتر فعالیت اقتصادی و معیشتی می گردد .در این زمینه به دلایل زیر می توان استناد کرد:

- و لا تتمنوا ما فضّل الله به بعضکم علی بعض، للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء مما اکتسبن (نساء ۳۲)

برتریهایی را که بعضی بر بعضی دیگر(به حکمت مانند تفاوت در استعداد) دارند، آرزو نکنید. مردان از آنچه بدست می آورند و زنان نیز از آنچه بدست می آورند بهره بر می دارند.

- اهم یقسمون رحمهٔ ربک، نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیاهٔ الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخد بعضهم بعضًا سخریًا (زخرف ۳۲)

آیا آنان رحمت پروردگارت راتقسیم می کنند؟ ما در زندگی دنیا میان آنان روزی و معاش را تقسیم کردیم و برخی را بر برخی دیگر به درجات برتری دادیم تا از خدمات یکدیگر استفاده کنند.

و حضرت علی(ع) فرموده اند:

اذا خالف بحکمته بین هممهم و ارادتهم و سائر حالاتهم و جعل ذلک قوامًا لمعایش الخلق[۵]

---

[۱]- سخنرانی حسینعلی منتظری، به نقل از رهنمودهای اقتصادی آیت ا ...منتظری، مؤسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی، بهمن ۱۳۶۳

[۲]- سوره هود آیه ۸۵

[۳]- مطهری مرتضی، پیشین، صص ۱۵۷

[۴] - پیشین، ص ۱۸

[۵]- وسایل الشیعه، ج ۱۳ ، ص ۲۸

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

خداوند به حکمت خود بین همتها و خواسته های مردم و سایر حالاتشان تفاوت قرارداد و این تفاوتها را وسیله برپایی زندگانی و معاش مردم گردانید.

بنابراین، تفاوتهای فردی مردم وسیله قوام جامعه است .زیرا اگر همه افراد از توان بدنی و فکری و ذوق و سلیقه مشابه برخوردار باشند و در صدد کارهای مشابه برآیند، سایر کارها انجام نمی شود و نظام اجتماعی از هم می پاشد.

از دیگر شرایط قوام جامعه آن است که انجام هر کاری به اهل آن سپرده شود و از آنجا که مال مال خداست و به طور امانی در اختیار انسانها قرار می گیرد، شایسته است این مال به هر کس تعلق گیرد به بهترین نحو از آن استفاده کند.

بنابر آنچه گفته شد، از دیدگاه اسلامی در چارچوب حقوق مالکیت مشروع فعالیت اقتصادی آزاد است و محصول فعالیت هر کس به خود او باز می گردد . این امر در بازار اسلامی تحقق می یابد وحکومت اسلامی بنا بر اصل اولیه در قیمت گذاری دخالتی نداشته و برنامه ای برای تعیین قیمت جهت کاهش اختلاف درآمد ندارد .برنامه اسلامی در این زمینه تقویت روحیه انصاف و اکتساب مبتنی بر حق در بازار اسلامی می باشد .نهاد بازار در نظام اقتصاد اسلامی به اندازهٔ قدمت تمدن اسلامی سابقه دارد و شواهد تاریخی در مورد بازارهای اسلامی در شهرهای مسلمین حاکی از ویژگی رقابتی بودن آن دارد.

معیار سوم: قرار گرفتن اموال در موضع قوام آن (کارایی وتوازن درآمدی)

معنای مطلق عدالت همچنانکه اشاره شد قرار گرفتن هر چیز در موضع بایسته و شایسته آن است، به همین جهت نظریه پردازان عدالت معمولاً در تعیین قواعد عدالت اجتماعی و اقتصادی وضع بایسته اجتماع و اقتصاد را به عنوان معیار عدالت دانسته اند .وضع بایسته اقتصادی امری است که کاملاً وابسته به مکتب اقتصادی است و نشانگر هدف هر مکتب و نتیجه تحقق آن در جامعه است .به همین جهت بر حسب تفاوت مکاتب اقتصادی تبیین و قاعده مند ساختن عدالت در اقتصاد تعابیر مختلفی می یابد.

در معیار سوم عدالت توجه اصلی به مصالح کلی نظام اجتماعی و جامعه است و همان طور که تعاریف مطلق عدالت (اعطاء کل ذی حقه حقه، و وضع الشی ء فی موضعه) در مورد افراد صادق است در مورد جامعه و مصالح عمومی واقتصاد جامعه نیز باید جاری باشد.

از دیدگاه اقتصاد اسلامی هر بحث و تحلیلی در این حوزه انجام شود در چارچوب نگرش حقوقی اسلام به "اموال" خواهد بود. بر اساس نگرش اسلامی مالکیت انسانی بر اشیاء و اموال خودش مطلق نیست، بلکه در چارچوب حدودی است که خداوند تعیین کرده است، برای اینکه این حدود از لحاظ مصالح اجتماعی رعایت شود معیار مشخصی را می توان در هر دو حوزه فردی و اجتماعی تعریف نمود و آن این است که اموال و ثروتها بایستی موجبات قوام و استواری جامعه (و فرد به عنوان یکی از اجزای جامعه) را فراهم سازد.

وضعیت" قوام اقتصادی" که در متون دینی مورد توجه واقع گردیده است معادل "معیار کارایی "در ادبیات اقتصادی است .این وضعیت را می توان در دو حوزه تولید و مصرف توضیح داد:

۱. قوام در بهره برداری از اموال و منابع (معادل کارایی فنی)

بر اساس شریعت اسلام معیار اصلی در استخراج و بهره برداری از منابع و اموال عمومی (و بلکه در خصوص سایر اموال که شخصی است) بهره برداری عاقلانه و در موضع قوام از آنهاست . خداوند منان در آیهٔ ۵ سورهٔ نساء می فرماید:

"و لا تؤتوالسفهاء اموالکم التی جعل الله لکم قیاماً"

اموالتان را که خداوند سبب قوام (برپایی و استواری) زندگی شما قرار داده به دست کم خردان و نااهلان نسپارید.

قوام "به معنای" ما یقوم به الشیء "می باشد. یعنی" آنچه که مایه ایستادگی و سبب پایداری، استواری و سامان یابی است" می باشد. موضوع قوام به معنای موضع مناسب برای رسیدن به آثار مفید هرچیز است. بر اساس شریعت اسلام معیار اصلی در استخراج و بهره برداری از منابع و اموال عمومی (و بلکه در خصوص سایر اموال که شخصی است) بهره برداری عاقلانه و در موضع قوام از آنها می باشد.

-امام علی (علیه السلام)می فرمایند:" قیمهٔ کل امره ما یحسنه[۱] "

[۱]- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۰۵

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

ارزش هر کس به کیفیت کاری است که او انجام می دهد.

-امام صادق (ع) در این باره می فرمایند:

" ان من بقاء المسلمین و بقاء الاسلام ان تصیر الاموال عند من یعرف فیها الحق و یصنع المعروف، و ان من فناء الاسلام و فناء المسلمین ان تصیر الاموال فی ایدی من لایعرف فیها الحق و لایصنع فیها المعروف[۱] "

مایه بقای مسلمانان و بقای اسلام این است که اموال و ثروت ها در نزد کسانی باشد که می دانند حق و میزان درست در کار مال و مالداری چیست، و همواره با آن ثروت، کار خیر می کنند و برای خود انباشت نمی کنند و زراندوزی ندارند ;و مایه فنای اسلام و از میان رفتن مسلمانان، این است که ثروت در دست کسانی قرار گیرد که حق تملك آن را نمی دانند و با آن کار خیر نمی کنند و حق مال را نمی پردازند.

به بیان اقتصادی، نیل به آثار مفید هرچیز به معنای استفاده از بهترین موقعیت ممکن از آن است که معادل همان "کارایی فنی[۲] " در ادبیات اقتصادی است. بدیهی است تنها در این صورت است که استفاده عاقلانه از مال به عمل آمده است. منظور از کارایی فنی استفاده از کمترین عوامل تولید ممکن برای نیل به محصول مشخص است.

۲.قوام در مصرف"معادل کارایی تخصیصی و توازن درآمدها"

" قوام" در حوزۀ مصرف به معنای رعایت اعتدال در مصرف است .خداوند که مالك حقیقی اموال است "المال مال الله" و اموال را به صورت ودیعه و امانت در اختیار ما قرار داده (جعله ودائع عند خلقه)[۳] که آنها را در موضع قوام به کار بگیریم، در هنگام مصرف مال از ما خواسته است که از اسراف و اقتار دوری کنیم و از آنها در حد وسط و متعارف بهره بردای کنیم:" و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلك قواماً"

(آنان که هرگاه چیزی ببخشند نه زیاده روی کنند و نه خست ورزند بلکه میانگین و حد وسط این دو را در حد" قوام" بخشند.) (فرقان ۶۷) حد قوام در روایتی از امام صادق (ع) به معنای حد وسط آمده است (القوام الوسط[۴]) از این حد در روایت مفصل و طولانی امام صادق (ع) به عنوان حد قصد یاد شده است (المال مال الله، جوز لهم أن یأکلو قصداً ....[۵])

آیۀ ۷ صورۀ حشر" کی لا یکون دولۀ بین الاغنیاء منکم"(تا اموال در میان ثروتمندان دست به دست نشود) و تحریم اکل مال به باطل در آیه ۲۹ سورۀ نساء و تعیین حد غنا در خصوص میزان پرداخت زکات یا خمس با عبارات " حتی تغنیه[۶] " (تا حدی که او را غنی و بی نیاز کنی) و " حتی یلحقهم بالناس[۷] "(تا اینکه زندگی او به حد دیگران برسد)، همگی دلالت بر این دارند که حد مجاز در خصوص میزان بهره مندی و استفاده از کالاها و خدمات در جامعه حد متعارف و متعادل و متوازن آن است.

به لحاظ تطبیق با معیارهای متعارف اقتصادی این وضعیت را می توان با وضعیت کارایی تخصیصی[۸] توضیح داد .منظور از کارایی تخصیصی تولید مطلوبترین سطح محصول از داده های مفروض و معین است.

کارایی اقتصادی به مفهوم کارایی فنی یا کارایی تخصیصی، به معنی تغییر منابع تولیدی یا کالاها به نحوی است که بیشترین سطح تولید یا سطح رضایتمندی (مطلوبیت) را نتیجه دهد . در یک سیستم اسلامی با توجه به داوریهای ارزشی اسلامی کارایی اقتصادی به معنی تخصیص بهینه کالاها یا منابع اقتصادی و عوامل تولید به نحوی است که بیشترین سطح رضایتمندی حقیقی (به عنوان تقریبی از رضایت پروردگار) را

---

[۱]- وسایل الشیعه، ج ۱۱ ، ص ۵۲۱ ، وافی، ج ۲، ص ۶۸

[2]- Technical Efficiency

[۳]- روایت از امام صادق (ع)

[۴]- الفقیه، ج ۲، ص ۶۴ ، روایت . ۱۷

[۵]- الحیاه، ج ۳، ص . ۹

[۶]- وسایل الشیعه، ۶۹۰ ، ص ۱۸۰

[۷]- وسایل الشیعه، ۶۹۰ ، ص ۱۵۹

[8]- Allocative Efficiency

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

از تولید کالاها و خدمات یا مصرف یا انفاق آن نتیجه دهد .بنابراین در دیدگاه اسلامی نسبت به تعریف کارایی می توان تخصیص کالاها و خدمات و عوامل و منابع تولید را برای ایجاد بالاترین مطلوبیت یا رضایتمندی حقیقی مورد توجه قرار داد که در چارچوب حفظ قوام اقتصادی جامعه و پایداری و تعادل حقیقی اقتصاد که با نظام تکوین نیز هماهنگی دارد به کار گرفته می شوند.(عیوضلو، ۱۳۸۶)

به بیان دیگر، از دیدگاه اسلامی کارایی فنی معادل "عدم اسراف" است . برای مثال اگر طرح تولیدی با پانصد دلار به نحو مطلوب قابل راه اندازی است، چرا از نهصد دلار استفاده شود.با این مقایسه کارایی تخصیصی نیز معادل" احسان "به انجام کار به نحو صحیح ونیکو می باشد (به فرموده امام علی(ع): قیمۀکل امرء مایحسنه یعنی ارزش هر کس به عملکرد و کارکرد اوست.)

نیل به آثار مفید هر چیز به معنای استفاده و بهره برداری در بهترین موقعیت ممکن از آن است که معادل همان " کارایی فنی و تخصیصی " در ادبیات اقتصادی است . برای یک اقتصاددان بدیهی است که استفاده عاقلانه از مال تنها در این وضعیت تحقق می یابد. متأسفانه این معنا و تعبیر در جوامع اسلامی مغفول مانده است و به "حق مال" کمتر توجه شده است و در شناسایی حق مال کمتر به اقتصاددانان رجوع کرده اند. بر عکس، با درک نادرست مفاهیم اقتصادی حتی به آنان حمله کرده اند و در مواردی بر معیار"اقتصادی" بودن یا نبودن طرح تاخته اند!

این افراد از این حقیقت غافل مانده اند که چنانچه به اقتصادی بودن طرح توجه نداشته باشند و شرایط کارایی را در بهره برداری از اموال رعایت ننمایند از آن طرف نیز نباید مدعی شوند که اقتصاد اسلامی هم رشد و هم توزیع عادلانه را هدف قرار داده است، چه اینکه در این حالت دیگر نمی توان از رشد اقتصادی سخن گفت .رشد اقتصادی زمانی حاصل می شود که اموال به طور عاقلانه و در موضع کارا مورد استفاده واقع شود.

مروری بر نظریات عدالت بین نسلی:

در این قسمت بر اساس معیارهای عدالت اقتصادی که در قسمت قبل به تفضیل در مورد آنها بحث شد دو نمونه از نظریات عدالت بین نسلی را بیان کرده سپس بر اساس معیارهای عدالت اقتصادی در اسلام به بیان ایرادات آنها پرداخته و مدل کارا و عادلانه عدالت بین نسلی را بر اساس معیارهای عدالت اقتصادی در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی را ارائه می کنیم.

۱- نظریه مطلوبیت‌گرای بنتامی یکی از مهم‌ترین روش‌های استاندارد بهینه کردن تابع رفاه اجتماعی بین نسلی است. مبنایی که اکثریت مطلق مدل‌های رایج بهینه‌سازی پویا در اقتصاد کلان هم از آن تبعیت می‌کنند مجموعی از مطلوبیت تنزیل یافته[1] نسل‌های مختلف در طول زمان را به عنوان شاخص رفاه گرفته و مسیری که این تابع را بیشینه می‌کند مشخص می‌کنند. در بسیاری از مدل‌های رشد استاندارد که بر قاعده بنتامی مبتنی هستند، رفاه[2] (مصرف) در طول زمان افزایش می‌یابد تا اقتصاد به نقطه پایداری[3] برسد. در طول این مسیر نسل‌های اولیه به به نسبت نسل‌های بعدی کم‌تر مصرف می‌کنند و با کمک به انباشت سرمایه به اقتصاد کمک می‌کنند تا در طول زمان رشد کرده و به نقطه پایدار برسد. درست عکس این مساله در مدل‌های رشد مبتنی بر منابع طبیعی به وجود می‌آید. اگر تولید جامعه تابع سرمایه فیزیکی و میزان استخراج منابع زیرزمینی (هر دو) باشد، نسل اول ممکن است مصرف خود را با استخراج فراوان منابع طبیعی بالا ببرد ولی با افت تولید از منابع طبیعی برای نسل‌های بعدی رفاه آنان کاهش می یابد. این موضوعی است که به وضوح در مورد منابع حتی ظاهرا تجدیدپذیر مثل جنگل‌ها و مناظر طبیعی و منابع آب شیرین و دریاچه‌ها و غیره در ایران شاهد آن هستیم.

اگر اقتصاد جامعه به شدت به مصرف منابع پایان‌پذیر وابسته باشد و این منابع در طول زمان در حال تهی شدن باشند چه طور می‌تواند مطمئن بود که رفاه جامعه در نسل‌های دورتر به شدت افت نمی‌کند؟ معیار بنتامی در این زمینه با یک مشکل مهم رو به رو است: به علت وجود ضریب تنزیل در اکثر مدل‌ها، مطلوبیت نسل‌های دور عملا تاثیر چندانی در کل تابع رفاه ندارد و بهینه‌سازی روی نسل‌های متقدم متمرکز است. آیا می‌توان سیاستی را پیشنهاد کرد که پایداری مصرف در طول زمان را تضمین کند؟

[1] –discount utility

[2] -welfar

[3] –Steady State

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

۲- سولو در ابتدای مقاله خود قاعده مشهور عدالت رالز را بازخوانی کرده و به فصولی از کتاب رالز در مورد عدالت بین نسل‌ها (به جای عدالت بین افراد در داخل یک نسل) می‌پردازد. قاعده عمومی رالز می‌گوید که بی‌عدالتی در تخصیص منابع مجاز نیست مگر اینکه به سمت بهبود مطلوبیت فقیرترین فرد جامعه معطوف باشد. در واقع رالز در مقابل نظریه بنتام، که مجموع مطلوبیت عامل‌های اقتصادی را به عنوان معیار تابع رفاه اجتماعی پیشنهاد می‌کند، قاعده کم پیشینه[1] را پیش می‌کشد و می‌گوید تابع رفاه باید حداقل مطلوبیت موجود در جامعه را بیشینه کند. به زبان ریاضی با پیروی از این قاعده بخشی از ورودی‌های تابع مطلوبیت کل جامعه یعنی مطلوبیت طبقات بالاتر اساسا برای مساله بهینه‌سازی غیرمرتبط[2] می‌شوند و هدف بیشینه کردن مطلوبیت زیرمجموعه‌ای از افراد است. سولو اشاره می‌کند که هر چند خود رالز هم از کاربردی بودن قاعده‌اش برای مسایل بین نسلی مطمئن نیست ولی اگر معیار رالز را برای تحلیل مساله بین نسلی به کار بگیریم نتیجه کاملا متفاوتی به دست می‌آید. اگر هر نسل را یک عامل در نظر بگیریم، این تابع می‌گوید که وضعیت فقیرترین نسل باید بهبود یابد. پیامد این تحلیل در حالت حدی این است که مطلوبیت (مصرف) تمام نسل‌ها باید با هم برابر باشد. (Solow, 1974)

آنچه که از این دو نظریه برمی آید،این است که هدف یکسان کردن رفاه (مطلوبیت) در بین نسلهای مختلف یک اقتصاد است.با توجه به اینکه گذر زمان و پیشرفت تکنولوژی و پیدایش امکانات رفاهی جدید خود سبب افزایش رفاه برای نسلهای آینده می شود. بنابراین نمی توان گفت که با یکسان کردن رفاه نسلهای مختلف در جهت عدالت اقتصادی حرکت کرده ایم.چراکه بر اساس معیار اول عدالت اقتصادی در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی، عدالت مربوط به تقسیم منابع طبیعی و خدادادی به طور مساوی بین همه مردم در همه نسلها است و اینکه فرد در یک نسل چقدر از این ثروت خود مطلوبیت می برد به گذر زمان و پیشرفت امکانات رفاهی ربط داشته که همه اینها مربوط به مشیت الهی می شود که شخص در چه زمانی و در کدام نسل متولد شود.پس برای رعایت عدالت بین نسلی بر اساس معیاراول و سوم عدالت اقتصادی در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی، یعنی معیارهای: حق برخورداری برابر از منابع و ثروتهای عمومی و قرار گرفتن اموال در موضع قوام آن (کارایی وتوازن درآمدی) کافی است که مدلی را ارائه کنیم تا درآمدهای نفت و گاز (منابع طبیعی)به طور یکسان در بین تمامی نسلها تقسیم شود.بدین منظور ارزش حال سرانه درآمدهای نفت و گاز یعنی کل ثروت ناشی از منابع طبیعی برای هر نفر را حساب کرده و الگویی را ارائه می دهیم تا این مبلغ سرانه در تمامی نسل های حال و آینده به طور مساوی تقسیم شود.بدین منظور تمام درآمد ناشی از منابع پایان‌پذیر را در بخش‌های غیر پایان‌پذیر (ماشین‌آلات و زیربناها و دارایی‌های مالی و غیره) سرمایه‌گذاری کرده[3] و بقیه درآمدهای اقتصاد (از جمله تمام درآمد ناشی از سایر سرمایه‌ها) را مصرف کنیم. به این ترتیب هم نسل فعلی از مواهب ناشی از سرمایه‌گذاری بهره‌مند می‌شود و هم اصل سرمایه مولد (بخش‌های غیرپایان‌پذیر) به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. نسل فعلی هم فقط درآمد حاصل از منابع زیرزمینی را به نسل بعدی منتقل می‌کند و از درآمد ناشی از سایر دارایی‌ها چیزی را برای نسل بعدی پس‌انداز نمی‌کند. این پیشنهاد ساده به نوعی دو اصلی را که در بررسی آرای رالز و سولو گفتیم تحت پوشش قرار می‌دهد. نسل فعلی رفاه خودش را به خاطر پس‌انداز برای نسل بعد کاهش نمی‌دهد ولی از طرف دیگر هم سرمایه ناشی از منابع طبیعی را برای نسل‌های بعدی حفظ می‌کند.

حال به بررسی مدل ارائه شده برای دستیابی به میزان استخراج و مصرف کارا و عادلانه منابع پایان پذیر دراقتصاد ایران بر اساس معیارهای عدالت اقتصادی در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی می پردازیم.

مدل پیشنهادی:

بر اساس این مدل مسیر مصرف بهینه یک مسیر مستقیم به صورت سرانه، برابر با پرداخت های منظم سالانه نسبت به ارزش تنزیل شده کنونی ثروت انرژی است. که میزان پرداخت منظم از تفاوت میان نرخ بازگشت سرمایه[4] و نرخ رشد جمعیت ضربدر ارزش تنزیل شده کنونی ثروت انرژی بدست می آید:

[1] -min & max

[2] –Irrelevant

[3]- بر گرفته از معیار سوم عدالت اقتصادی اسلام یعنی قرار گرفتن اموال در موضع قوام آن،مربوط به قوام در بهره برداری از اموال و منابع

[4]-. منظور از نرخ بازگشت سرمایه بازدهی حاصل از فعالیتهای اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

$(\mathrm{r}-\mathrm{n})\mathrm{NPV}$

که در آن r نرخ بازگشت سرمایه، n نرخ رشد جمعیت و NPV ارزش تنزیل شده کنونی ثروت نفت و گاز است که از رابطه زیر بدست می آید:

$$\mathrm{NPV}=\mathrm{NPV1}+\mathrm{NPV2} \qquad \mathrm{NPV1}=\sum_{t=1}^{t=t_1}\frac{Q_{1t_1}}{(1+r)^{t_1}} \qquad \mathrm{NPV2}=\sum_{\mathrm{t}=1}^{\mathrm{t}=\mathrm{t}_2}\frac{\mathrm{Q}_{2\mathrm{t}_2}}{(1+\mathrm{r})^{\mathrm{t}_2}}$$

که در آن Q_{1t} درآمد سالانه نفت و $\mathrm{Q}_{2\mathrm{t}_2}$ درآمد سالانه گاز و t_1 سال پایان یافتن ذخایر نفت و t_2 سال پایان یافتن ذخایر گاز است.

با این فرض که مصرف در تمام دوران زندگی فرد ثابت است،مصرف سرانه برابر با $\frac{(\mathrm{r}-\mathrm{n})\mathrm{NPV}}{p_1}$ خواهد بود که در آن p_1 اندازه جمعیت در سال اول است.

با بدست آوردن مصرف سرانه بهینه و مصرف عمومی برای هر سال و با کسر این مقدار از مجموع درآمد، می توان میزان پس انداز و ثروت مالی را محاسبه کرد. در سال پایانی دولت درآمد نفتی ندارد ولی همچنان می تواند همان سرانه مصرف را از طریق استفاده از بخشی از درآمدهای حاصل از سرمایه گذاری و فعالیتهای اقتصادی انجام شده، پایدار نگه دارد.

بر اساس آخرین آمار رسمی وزارت نفت در سال ۸۷ ذخیره قابل استحصال هیدروکربور مایع ایران بیش از ۱۳۷ میلیارد و ۶۲۰ میلیون بشکه و ذخیره قابل استحصال گاز ۲۹ تریلیون و ۶۱۰ میلیارد متر مکعب اعلام شده است. (سایت شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران)

بر اساس آمار میزان تولید نفت خام ایران در سالهای اخیر به طور متوسط ۴ میلیون بشکه در روز (۱۴۶۰ میلیون بشکه در سال) و میزان تولید گاز ۱۳۰ میلیارد متر مکعب در سال است.(BP Statistical of World Energy,2007) چنانچه این میزان تولید از منابع انرژی کشور را پایه قرار دهیم در حدود ۹۰ سال دیگر یعنی سال ۱۴۸۰ ذخایر نفتمان به پایان می رسد. ذخایر گاز کشور در حدود ۲۲۰ سال بعد به پایان خواهد رسید لذا $t_1=90$ و $t_2=220$ خواهد بود.

برای بدست آوردن درآمد سالیانه نفت Q_{1t} و درآمد سالیانه گاز $\mathrm{Q}_{2\mathrm{t}_2}$ که برای سادگی در طی سالهای استخراج آنها را ثابت در نظر می گیریم،فرض می کنیم قیمت هر بشکه نفت به طور متوسط ۱۰۰ دلار و قیمت هر متر مکعب گاز به طور متوسط ۳۰ سنت در طی این سالها باشد.

با توجه به تحرکات زیاد سرمایه در کشور های صنعتی، رفتار نرخ بهره واقعی در ایالات متحده می تواند نشانه ای از فرض نرخ بازگشت دارایی های خارجی باشد. بر اساس آخرین بررسی هایی که در این زمینه صورت گرفته (Laubback & William,2001) نرخ بهره واقعی متعادل در ایالات متحده در دهه ی ۱۹۶۰ حداکثر ۴ درصد بوده و در اواخر دهه ی ۱۹۹۰به ۲درصد افت کرده است در مورد نرخ بازگشت دارایی های داخلی، با توجه به ذخیره کم سرمایه در قیاس با کشور های توسعه یافته باید نرخ بالاتری را برای بازگشت سرمایه گذاری در ایران انتظار داشت، بنابراین میزان نرخ بازگشت سرمایه را برابر با نرخ بهره واقعی ۴ درصد در نظر می گیریم که دور از انتظار نخواهد بود.(آمنه، حسینی، ۱۳۸۶)

با توجه به سرشماری سال ۱۳۸۵ و نرخ رشد جمعیت ۱/۶درصدی و با توجه به میزان نرخ رشد برنامه ریزی شده در برنامه پنجم توسعه که ۱.۳ درصد در نظر گرفته شده است.[1] ما برای برآورد مدل میزان نرخ رشد جمعیت را در طی این سالها ۱/۵ درصد قرار می دهیم. همچنین p_1 یعنی میزان جمعیت کشور در حال حاضر را برابر ۷۵ میلیون نفر در نظر می گیریم.

با توجه به مفروضات فوق محاسبات مدل برای اقتصاد ایران به شرح زیر بدست می آید:

$$Q_{1t}=100\times 1460=146 \qquad \mathrm{Q}_{2\mathrm{t}_2}=0.3\times 130=39$$

$$\mathrm{NPV1}=\sum_{t1=1}^{90}146\left(\frac{1}{(1+.04)^{t_1}}\right)=3543.02$$

$$\mathrm{NPV2}=\sum_{t2=1}^{220}39\left(\frac{1}{(1+.04)^{t_2}}\right)=974.83$$

۱- سایت مرکز آمار ایران و سند برنامه پنجم توسعه اقتصادی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

$NPV = NPV1 + NPV2 = 3543.02 + 974.83 = 4517.85$

= مصرف سرانه ثابت هر فرد در طی زندگی اش

$$\frac{(r - n)NPV}{p1} = (0.04 - 0.015)\frac{4517.85}{75} = 0.025 \times 60238 = 1505.95$$

= ۱۸۵ ۷۵×۱۵۰۵/۹=۱۱۲/۹=مصرف کل بهینه ثروت طبیعی در سال اول

$Q_{1t} + Q_{2t}$ =۳۹+۱۴۶ =جمع درآمدهای ثروت طبیعی نفت وگاز

لذا در سال اول از محل درآمدهای نفت و گاز به مبلغ ۱۸۵ میلیارد دلار ۱۱۲/۹ میلیارد دلار مصرف و ما بقی آن یعنی ۷۲/۱ میلیارد دلار پس انداز(سرمایه گذاری) می شود. در سال بعد درآمد دولت دو بخش دارد:

۱۸۵ میلیارد دلار از محل فروش نفت و گاز و ۲/۸۸ میلیارد دلار از بابت ذخیره جدید ثروت مالی سرمایه گذاری شده در دارایی های مالی یا در فعالیتهای اقتصادی که دارای نرخ بازده یکسانی است.

در سال بعد با توجه به رشد ۱/۵ درصدی، جمعیت برابر ۷۶/۱۲۵ میلیون نفر شده و لذا مصرف کل درآمدهای نفت و گاز برابر با ۱۱۴/۶میلیارد دلار شده و میزان درآمدهای دولت از محل فروش نفت و گاز همان ۱۸۵ میلیارد بوده و ۲/۸۸ میلیارد دلار نیز درآمد حاصل از سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی خواهد داشت. لذا در سال دوم دولت ۷۳/۲۸ میلیارد دلار پس انداز (سرمایه گذاری) می کند. بنابراین ذخیره ثروت مالی تا آخر سال دوم برابر با ۱۴۵/۳۸ میلیارد دلار خواهد شد.

همین منطق در سالهای بعد از آن نیز ادامه می یابد. به طوری که پس از اتمام ذخایر نفت و گاز دولت دیگر درآمدی از بابت این منابع طبیعی نخواهد داشت. ولی می تواند مصرف سرانه را از طریق استفاده از بخشی از درآمدهای حاصل از فعالیتهای اقتصادی و سرمایه گذاری های انجام شده خود، ثابت نگه دارد.

نتیجه گیری:

در این مقاله بر اساس معیارهای عدالت اقتصادی مطرح در نظام اقتصاد اسلام که بر گرفته از شریعت اسلام می باشد، به این نتیجه رسیدیم که عدالت در زمینه منابع خدادادی به معنی تقسیم این ثروتها و نعمات الهی در بین مردم نسل حاضر و نسل های آینده به طور یکسان است[۱].همچنین برای جلوگیری از بهره برداری بیش از اندازه از این منابع و مصرف آن توسط نسل حاضر و ضایع شدن حق نسل های آینده بر اساس معیار سوم عدالت اقتصادی اسلام یعنی قرار گرفتن اموال در موضع قوام آن (مربوط به قوام در بهره برداری از اموال و منابع)به این نتیجه رسیدیم که در در استخراج و بهره برداری از منابع و اموال عمومی (و بلکه در خصوص سایر اموال که شخصی است) بهره برداری عاقلانه و در موضع قوام را انجام دهیم.همچنین اموال و ثروت ها به کسانی بسپاریم که می دانند حق و میزان درست در کار مال و مالداری چیست، و همواره با آن ثروت، کار خیر می کنند و برای خود انباشت نمی کنند و زراندوزی ندارند.که همانا کار خیر در این مقاله سرمایه گذاری در بخش‌های غیر پایان‌پذیر (ماشین‌آلات و زیربناها و دارایی‌های مالی و غیره) بوده تا بدین وسیله ابزار لازم جهت بهره برداری بهینه و عادلانه از این ثروتها مهیا شده و با رعایت کارایی فنی و تخصیصی اموال به طور عاقلانه و در موضع کارا مورد استفاده واقع شوند.

همچنین بر اساس الگوی ارائه شده در این مقاله میزان استخراج، مصرف و پس انداز درآمدهای حاصل از نفت و گاز به قرار زیر می باشد:

در سال اول از محل درآمدهای نفت و گاز به مبلغ ۱۸۵ میلیارد دلار ۱۱۲/۹ میلیارد دلار مصرف و ما بقی آن یعنی ۷۲/۱ میلیارد دلار پس انداز(سرمایه گذاری)می شود.در سال بعد درآمد دولت دو بخش دارد: ۱۸۵ میلیارد دلار از محل فروش نفت و گاز و ۲/۸۸ میلیارد دلار از بابت ذخیره جدید ثروت مالی سرمایه گذاری شده در دارایی های مالی یا در فعالیتهای اقتصادی که دارای نرخ بازده معینی است.

در سال بعد با توجه به رشد جمعیت ۱/۵ درصدی جمعیت برابر ۷۶/۱۲۵ میلیون نفر شده و لذا مصرف کل درآمدهای نفت و گاز برابر با ۱۱۴/۶میلیارد دلار شده و میزان درآمدهای دولت از محل فروش نفت و گاز همان ۱۸۵ میلیارد بوده و ۲/۸۸ میلیارد دلار نیز درآمد حاصل

[۱] – بر اساس معیار اول عدالت اقتصادی اسلام یعنی حق برخورداری برابر از منابع و ثروتهای عمومی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

از سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی خواهد داشت. لذا در سال دوم دولت ۷۳/۲۸ میلیارد دلار پس انداز (سرمایه گذاری) می کند.بنابراین ذخیره ثروت مالی تا آخر سال دوم برابر با ۱۴۵/۳۸ میلیارد دلار خواهد شد.

همین منوال در سالهای بعد از آن نیز ادامه می یابد، درحالی که مصرف سرانه ثابت هر فرد در طی دوران زندگی اش ۱۵۰۵ دلار در سال است. به طوری که پس از اتمام ذخایر نفت و گاز دولت دیگر درآمدی از بابت این منابع طبیعی نخواهد داشت. ولی می تواند مصرف سرانه را از طریق استفاده از بخشی از درآمدهای حاصل از فعالیتهای اقتصادی و سرمایه گذاری های انجام شده خود، ثابت نگه دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

منابع و مآخذ:

۱- شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران (پاییز ۱۳۸۶)- آمارنامه مصرف فرآورده های نفتی انرژی زا ۱۳۸۵.

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعاتی سری زمانی- www.cbi.ir.

۳- حسینی، آمنه، (۱۳۸۶). راهکارهای مدیریت درآمد نفتی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

۴- تفسیرالمیزان، ۴۹۰ (متن عربی)

۵- نهج البلاغه، صبحی صالح

۶- منتظری، حسینعلی، (۱۳۶۳). رهنمودهای اقتصادی آیت ا ...منتظری، مؤسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی.

۷- جعفری محمدتقی، (۱۳۸۷). کار و ثروت در اسلام، انتشارات پیام آزادی.

۸- فارابی، (۱۳۶۱) اندیشه های اهل مدینه فاضله، ترجمه سید جعفر سجادی، چاپ دوم، تهران، کتابخانه طهوری.

۹- وسایل الشیعه، جلد ۱۱ و ۱۳

۱۰- وسایل الشیعه، جلد ۱۱

۱۱- عیوضلو، حسین، (۱۳۸۶). ارائه شاخص هایی جهت ارزیابی عملکرد و تحلیل جهت گیری سیاست های توسعه در راستای تحقق عدالت اجتماعی، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۱۲- خاندوزی، سید احسان، (۱۳۸۴). واقع گرایی نظریه عدالت در اقتصاد اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۷.

13- Raphael D.D., Justice and Liberty, London : Athlone Press(1980)

14- Buchanan James M. (1986), Liberty , Market, and State: Political Economy in 1980's. NY:NYU. Press, Colombia U. Press

15- Guth Werner & selten Reinhard,(1994), Distributive Justice: A Behevioral Theory and Emprical Evidence, in: Essays on Economic Psychology , H. Brandstater and Werner Guth eds

16- Leventhal and Michaels,(1971), Locus of Cause and Equity Motiviation as Determinants of Reward Allocation, J.Personality Social Psych. 17:3

17- Konow،James, Which Is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theories, Journal of Economic Litterature, vol XLI

18- Harsanayi،John, Morality and the theory of optimal behavior, (1982), in: A. sen, and B. Williams eds., Utilitarianism and beyond , Cambridge,Cambridge University press

19- Cf.Richard A. Posner, The Economics of Justice, (1981), Coumbridge,Harvard University Press.

20- Baumol Applied Fairness theory and Rationality Policy, AER, (1982)

21- Hal R. Varian, Equality, Envy, and Efficiency, Journal of Economic theory, 9, (1974)

22- Baumol William, J., Superfairness, (1986), The MIT Press, Massachusetts Institute of technology

23- Schotler Andrew (1985), Free Market Economics: A critical Appraisal, , NewYork

24- Solow, R.M., (1974), Intergenerational equity and exhaustible resources, The Review of Economic Studies, Symposium, 29-46.

25- Barry B., (1989), Treatise of social justice

26- Anarchy Nozick, (1974), State &Utopia

27- Robert Frank H,(1988), Passions within Reason, NY:W.W. Norton.co

28- Lauback & William,(2001), Measuring the Natural Rate of Interest, Board of Governors of the Federal Reserve System.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]